



عَيْدِ حَاصِّ سِعَةٍ

درس ۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار : آقای کارگر

مقدمه:

در مباحث پیشین ، ضمن تعریف شفاعت به بیان حد و مزهای آن پرداخته و مشروعیت آن را از نظرگاه آیات ، روایات و سیره‌ی مسلمین مورد بررسی قرار دادیم.

آنچه مورد اتفاق همه‌ی مسلمانان می‌باشد، ثبوت مقوله‌ی شفاعت در سرای آخرت است . اما سوالی که در این میان به ذهن مخاطبین خطور می‌کند این است که آیا انسان در دوران زندگی خود می‌تواند از اولیای الهی طلب شفاعت کند یا خیر؟

پاسخ‌های متفاوت به سؤال فوق باعث اختلاف نظرهایی میان فرق مختلف مسلمانان شده است. آنچه از کتاب و سنت، به ویژه سیره‌ی نبی مکرم اسلام (ص) رسیده است حاکی از آن است که بعضی انسانها نه تنها در سرای آخرت مورد شفاعت اولیای الهی خواهند بود، بلکه در دوران زندگی خود نیز می‌توانند از آنها طلب شفاعت کنند اولیای الهی در آخرت ، ایشان را از این نعمت الهی بی‌بهره نخواهند گذاشت.

در این درس تلاش بر آن است تا به بررسی روایات در اثبات شفاعت در دوران پس از مرگ و همچنین طلب آن در دوران زندگی انسان پرداخته و این مقوله را در بستر شواهد تاریخی تبیین نماییم.

محتوای آموزشی :

درخواست شفاعت از پیامبر(ص) در دوران زندگی آن حضرت

با نگاه به روایاتی که درباره دوره زندگی پیامبر خدا(ص) رسیده روشن می‌شود که اصحاب، از آن حضرت درخواست شفاعت می‌کردند که به دو مورد اشاره می‌کنیم :

۱. روایت انس

انس بن مالک می‌گوید : از پیامبر خدا(ص) درخواست کردم که در روز قیامت مرا شفاعت کند.
حضرت پذیرفت و فرمود : این کار را انجام می‌دهم.

به پیامبر(ص) عرض کردم : در آن روز شما را در کجا ملاقات کنم؟
فرمود : در کنار صراط .

عرض کردم : اگر آن جا شما را نیافتم ؟
فرمود : کنار میزان .

عرض کردم : اگر آن جا نیز شما را نیافتم ؟

فرمود : در کنار حوض ، به راستی که جز از این سه مکان ، جایی نمی‌روم.^۱

۲. روایت سواد بن قارب

در روایتی آمده است : روزی سواد بن قارب به حضور پیامبر اکرم(ص) آمد و با اشعاری از آن حضرت طلب شفاعت نمود و گفت :

سواک بمعن فتیلاً عن سواد بن قارب^۲ و کن لی شفیعاً يوم لا ذو شفاعة

ای پیامبر ! در روز رستاخیز شفیع من باش ؛ روزی که شفاعت دیگران به حال سواد بن قارب به مقدار رشتئ نخ میانی خرما سودی نمی‌بخشد.

درخواست شفاعت از پیامبر(ص) پس از وفات آن حضرت

^۱ سنن ترمذی: ج ۴ ، ص ۶۲۱ ، ح ۲۴۳۳ . متن روایت چنین است : انس بن مالک گوید : سألت النبيّ(ص) أَن يشفع لي يوم القيمة ؟

قال : أنا فاعل .

قلت : فأين أطلبك ؟

قال : أولاً على الصراط .

قلت : فإن لم ألقك ؟

قال : عند الميزان .

قلت : فإن لم ألقك ؟

قال : عند الحوض ؛ فإني لا أخطي هذا الموضع .

^۲ الاصابة : ج ۲ ، ص ۶۷۵ ، ح ۱۱۰۹ ؛ الأحاديث الطول طبراني : ص ۲۵۶ ؛ الدرر السننية في الرد على الوهابية : ص ۲۷ .

پیش‌تر گفتیم که درخواست شفاعت از پیامبر خدا(ص) فقط در دوران زندگی آن حضرت نبود؛ بلکه اصحاب پس از وفات آن پیامبر رحمت نیز از حضرتش درخواست شفاعت می‌کردند.^۱ در این زمینه چند روایت را نقل می‌نماییم.

۱. حضرت علی(ع) و طلب شفاعت از پیامبر(ص)

محمد بن حبیب می‌گوید : زمانی که حضرت علی(ع) از غسل پیامبر خدا(ص) فارغ شد و کفن بر قامت ایشان پوشاند، کفن را از صورت آن حضرت کنار زد و عرض داشت :

بائی انت و اُمّی طبت حیاً و طبت میتاً . . . بائی انت و اُمّی اذکرنا عند ریک ؟^۲

پدر و مادرم به فدایت ، پاک و پاکیزه زندگی نمودی و پاک و پاکیزه به پیشگاه خداوند شتافتی . . . پدر و مادرم به فدایت، ما را در پیشگاه پروردگارت یاد کن.

۲. ابوبکر از پیامبر طلب شفاعت می‌کند

عایشه می‌گوید : آن‌گاه که خبر وفات پیامبر(ص) به ابوبکر رسید . . . او خود را بر روی (پیکر مطهر) او انداخت و پارچه روی صورت آن حضرت را کنار زد و دست به صورت ، پیشانی و گونه‌های ایشان کشید و در حالی که گریه می‌کرد عرضه داشت : . . . ای محمد ! ما را در پیشگاه پروردگارت یاد کن.^۳

۳. طلب شفاعت اعرابی در حضور صحابه

در این باره احمد زینی دحلان روایتی را از ابن حجر عسقلانی نقل می‌کند. وی می‌نویسد :

^۱ شفاعت پیامبر گرامی (ص) و دیگر شافعان راستین در روز جزا، جز طلب مغفرت از خدا درباره گناهکاران امت چیز دیگری نیست، در این صورت ، طلب شفاعت ، در واقع طلب دعا از آنان خواهد بود و دعای آنان ، در سایه قرب و مقامی که نزد خدا دارند ، به هدف اجابت می‌رسد و طبعاً گنهکار مشمول مغفرت خدا می‌گردد. از طرفی ، درخواست دعا از برادر مؤمن و فراتر از آن ، از نبی گرامی کوچک‌ترین اشکالی ندارد، اگر ما می‌گوییم : « یا وجیهاً عند الله ، اشفع لنا عند الله » یعنی ای کسی که در پیشگاه خدا جاه و مقامی داری ، در نزد خدا درباره ما شفاعت کن (دعا کن خدا گناه ما را ببخشد یا حاجت ما را برأورده کند)

اصولاً « استشفاع » یعنی طلب شفاعت ، در کتاب‌های حدیثی و تفسیری به معنی درخواست دعا وارد شده است . مثلاً محدث معروف اهل سنت « بخاری » در صحیح خود ، بایی را تحت این عنوان منعقد کرده است « اذا استشفعوا الى الامام ليستسقى لهم لم يردهم » « هرگاه مردم در هنگام قحطی از پیشوای خود بخواهند که برای آنان از خدا باران بطلبد ، نباید درخواست آنان را رد کند »

با توجه به این اصل نباید درباره خواست شفاعت که حقیقت آن درخواست دعاست ، شک و تردید کرد ، زیرا درخواست دعا از مؤمن از امور پسندیده است ، چه رسد به انبیاء و اولیاء ، از این گذشته ، برخی از یاران پیامبر از خود آن حضرت در زمان حیات و یا پس از درگذشت ایشان ، درخواست شفاعت می‌کردن.

^۲ التمهید ، ابن عبدالبر : ج ۲ ، ص ۱۶۲ : شرح نهج البلاعه ابن ابیالحدید : ج ۱۳ ، ص ۴۲ شماره ۲۳.

^۳ تمہید الأولی و تلخیص الدلائل ، باقلانی : ج ۱ ، ص ۴۸۸ : الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة : ص ۳۴ ; سبل الهدی و الرشاد : ج ۲ ، ص ۲۹۹ ، ب ۲۸ . متن حدیث در این منابع چنین آمده است :

« قالت عائشة و غيرها من الصحابة : إنَّ النَّاسَ أَفْحَمُوا وَ دَهْشُوا حِيثُ ارْتَفَعَ الرَّنَةُ . . . حَتَّى جَاءَ الْخَبَرُ أَبَا بَكْرٍ . . . حَتَّى دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَأَكَبَ عَلَيْهِ وَ كَشَفَ عَنْ وَجْهِهِ وَ مَسَحَهُ وَ قَبَلَ جَبَنَةَ وَ خَدَيْهِ وَ جَعَلَ بَيْكَ وَ يَقُولُ : بَائِي انت وَ اُمّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي طَبَتْ حَيَاً وَ مِيتَاً . . . اذْكُرْنَا يَا مُحَمَّدَ عَنْ رِيْكَ »

در روایتی آمده است که حضرت علی(ع) فرمود : سه روز از تدفین پیامبر اکرم(ص) گذشته بود که عربی بادیه نشین به مدینه آمد و خود را روی قبر شریف پیامبر(ص) انداخت و از خاک قبر بر سر خود می ریخت و می گفت : ای رسول خدا! در دوران زندگی خود مطالبی را فرمودی ، ما نیز آنها را پذیرفتیم و همان گونه که تو از خداوند دستورات دینی را گرفتی ، ما نیز دستورات را از تو فراگرفتیم . از آیاتی که خداوند بر تو نازل کرد این آیه بود که فرمود :

«**ولو آنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرّسول لوجدوا الله تواباً رحيمًا** »^۱

و اگر آنان که به خود ستم کرده بودند ، پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر نیز بر آنان طلب آمرزش می کرد به یقین خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند .
اینک ای رسول خدا! من به خودم ستم کرده ام و به درگاه تو آمده ام که برای من از خداوند طلب بخشن کنم .
در این هنگام از قبر شریف پیامبر(ص) ندایی آمد که خداوند تو را بخشدید.^۲

حیات پیامبران پس از رحلت

تردیدی نیست که پیامبران الهی به ویژه آخرین سفیر الهی حضرت محمد(ص) پس از رحلت خود از زندگی جاویدی برخوردارند ؛ می بینند ، می شنوند و اعمال امت بر آنان عرض می شود.^۳
این حیات و زندگی از حیات شهیدان بالاتر است ؛ چرا که به یقین مقام نبوت از مقام شهادت بالاتر است . پس طلب شفاعت از پیامبر پس از رحلتش ، طلب شفاعت از مردہ نیست .
در این باره عالمان و اندیشمندان مسلمان به اظهار نظر پرداخته اند که اینک دیدگاه برخی از آنان را می آوریم .
قسطلانی می گوید :

لا شك أن حياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام ثابتة معلومة مستمرة ، و نبينا أفضلهم ، و إذا كان كذلك فينبغي أن تكون حياته أكمل وأتم من حياة سائرهم ؛

بدون تردید زنده بودن پیامبران (علیهم السلام) پس از مرگ ، امری ثابت ، روشن و جاودانه است . از طرفی چون پیامبر ما از همه پیامبران برتر است ، زندگی آن حضرت نیز پس از مرگ ، کامل تر از دیگر پیامبران الهی خواهد بود.^۴

^۱ سوره نساء : آیه ۶۴

^۲ الدرر السنیۃ فی الرد علی الوهابیۃ : ص ۲۱ ، به نقل از الجوهر المنظم ؛ تفسیر قرطبی : ج ۵ ، ص ۲۶۵ ، ذیل آیه سوره نساء : تفسیر بحرالمحیط ابوحیان اندلسی : ج ۴ ، ص ۱۸۰ ، باب ۶۴ ؛ ذیل سوره نساء . در این منابع متن روایت چنین نقل شده است : «قال العلامہ ابن حجر فی «الجوهر المنظم» : وروی بعض الحفاظ عن أبي سعید السمعانی انه روی عن علی(ع) و کرم وجهه : إنهم بعد دفنه(ع) بثلاثة أيام، جاءهم أعرابی ، فرمی بنفسه علی القبر الشريف . . . و حتى ترايه علی رأسه ، و قال : يا رسول الله ! قلت فسمعننا قولک و وعيت عن الله ما وعيتنا عنک ، و كان فيما أنزل الله عليك قوله تعالى : «**ولو آنهم إذ ظلموا . . .**» وقد ظلمت نفسی و جتك مستغفر إلى ربی .

^۳ برخلاف تصور منکرین شفاعت در دنیا شفیعان واقعی زنده اند ، از این رو مسلمانان در نمازهای فریضه هر روز پیامبر(ص) را خطاب می کنند و به او سلام می دهند ، و می گویند : «السلام عليك ایهالنبي و رحمة الله و برکاته » از این گذشته در جایی که شهیدان راه خدا به حکم آیات قرآن (۷) زنده و شنوا هستند ، قطعاً پیامبر شهیدان و امامان آنان نیز زنده و شنوا هستند .

شوکانی در کتاب «نیل الأوطار» در بخش «صلة المخلوقات على النبی و هو في قبره حی» می‌نویسد :
و قد ذهب جماعة من المحققین إلى أنّ رسول الله(ص) حی بعد وفاته و آنه يسرّ بطاعات امته، و آنّ الأنبياء لا يبلون ، مع
آن مطلق الإدراك كالعلم و السمع ثابت لسائر الموتى ، وورد النص في كتاب الله في حق الشهداء آنهم أحیاء يرزقون و
آن الحياة فيهم متعلقة بالجسد ، فكيف بالأنبياء و المرسلين و قد ثبت في حديث : «أنّ الأنبياء أحیاء في قبورهم » .

رواہ المنذری و صحّحه البیهقی :

گروهی از محققان می‌گویند: پیامبر خدا(ص) پس از رحلت زنده است و از طاعات اُمّت خود مسرور و شاد می‌گردد و جسم پیامبران در قبر نمی‌پوسد. با این که مطلق علم و دانایی و شناوی برای دیگر مردگان ثابت است و بنا بر صریح قرآن کریم شهدا زنده‌اند، روزی می‌خورند و حیات و زندگی آنان به جسم و بدن آن‌ها مربوط است. حال که شهدا این گونه هستند، پس انبیاء و رسولان الهی به طریق اولی زنده و از حیات و زندگی با این بدن و جسم برخوردارند.^۲

ابن حجر هیشمی در کتاب خود از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که پیامبر(ص) دربارهٔ حیات خود پس از رحلتش چنین فرمود: «حیاتی خیر لكم تحدثون و يحدث لكم ، و وفاتی خیر لكم ، تعرض علىَّ أعمالكم فما رأيت من خير حمدت الله عليه و ما رأيت من شرّ أستغفرت الله لكم» ؛

١ المواهب الدنية : ج ٣ ، ص ٤١٣

۲ ولی در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که مگر پیامبر(ص) با رحلتش تبدیل به خاک و به کلی نابود می‌شود یا – همان‌گونه که بعضی از علمای وهابی در حضور ما اقرار کردند – حیات برزخی دارد؟

اولاً: آیا مقام شهدا که درباره آنها (بل احیاء عند ربهم یرزقون) (سورة آل عمران، آیه ۱۶۹) آمده پایین‌تر است؟

ثانیاً: آیا در تشهد نماز که بر آن حضرت سلام می‌فرستیم و همه مسلمانان «السلام عليك ايها النبي . . .» می‌گویند، به یک موجود خیالی سلام می‌کنند؟

ثالثاً: آیا شما معتقد نیستید که در مسجد پیامبر (ص) و کنار قبر مطهر آن حضرت باید آهسته صحبت کرد ، زیرا قرآن می گوید (يا ایها الذين آمنوا لا ترفعوا اصواتكم فوق صوت النبي . . .) (سوره حجرات آیه ۲) و این آیه را تابلو کرده و کنار قبر پیغمبر اکرم (ص) آویزان نموده اید؟ رابعاً : مرگ نه تنها پایان زندگی نیست ، بلکه تولد ثانوی و گسترش حیات است ، « و النّاس نیام فاذا ماتوا انتبهوا ؛ مردم خوابند هنگامی که مردند بیدار می شوند » (عوالم اللئالی ، جلد ۴ ، ص ۷۳)

خامساً: در حدیث معروفی که در منابع معتبر اهل سنت آمده می‌خوانیم که «عبدالله بن عمر» از رسول خدا(ص) نقل می‌کند که فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی؛ کسی که قبر مرا زیارت کند شفاعت من بر او حتمی است» (دارقطنی محدث معروف، این حدیث را کتاب سنن خود آورده است. (جلد ۲، صفحه ۲۷۸) جالب این که مرحوم علامه امینی آن را از ۴ کتاب معروف اهل سنت نقل کرده است! (الغیری، جلد ۵، ص ۹۳)

در حدیث دیگری از همان راوی از پیغمبر اکرم (ص) آمده است: «من زارنی بعد موتی فکانما زارنی فی حیاتی؛ هر کس مرا بعد از رحلتم کند مثل این است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد». (همان مدرک قبلی، علامه امینی آن را از ۱۳ کتاب نقل کرده است. بنابر این فرضیه تفاوت زمان حیات و ممات، یک پندار واهی بیش نیست.

هم حیات و زندگی من برای شما مایه خیر است و هم دوران وفات من ؛ تمام اعمال شما بر من عرضه می‌شود. اگر کارهای خوب شما را ببینم خدا را سپاس می‌گوییم و آن‌گاه که کردارهای بد شما را ببینم، از خدای عالم برای شما آمرزش می‌خواهم.^۱

ابن حجر در ادامه به معتبر بودن سند این حدیث اشاره می‌کند و می‌گوید : راویان این حدیث همان راویان صحیح بخاری و صحیح مسلم هستند.^۲

مسلم نیشابوری نیز در این باره در کتاب خود ، حدیثی را از پیامبر(ص) نقل می‌کند که حضرتش فرمود : مررت علی موسی لیله اسری بی عندالکثیب الأحمر و هو قائم يصلی فی قبره؛ هنگامی که به معراج رفتم دیدم که موسی(ع) در میان قبر نشسته و مشغول نماز بود.^۳

^۱ بیهقی در دلائل النبوة به صراحة دارد که در زمان خلافت جناب خلیفه دوم که قحطی آب آمد ، یکی از صحابه به نام بالان بن حرث کنار قبر پیامبر اکرم(ص) آمد و عرضه داشت که :
یا رسول الله ! قد هلك الناس ، استسق لامتك .

یا رسول الله ! مردم بر اثر قحطی و نیامدن باران نزدیک است که نابود شوند ، از خداوند برای مردم طلب رحمت کن.
نبی مکرم (ص) به خواب او آمد و گفت برو نزد خلیفه و از من به او سلام برسان و بگو : در آینهای نزدیک رحمت خداوند سرازیر خواهد شد.
این روایتی است که در تمام کتب روایی اهل سنت آمده است . ابن حجر عسقلانی از استوانه‌های علمی رجالی اهل سنت در کتاب فتح الباری ، ج ۲ ، ص ۴۱۲ صراحة دارد که این روایت صحیح است . ابن کثیر دمشقی در کتاب البداية و النهاية ج ۷ ، ص ۱۰۵ می‌گوید روایت صحیح است.

^۲ مجمع الزوائد : ج ۹ ، ص ۲۴ ، الجامع الصغير : ج ۵۸۲ ، کنزالعمال : ج ۱۱ ، ص ۴۰۷ .

^۳ صحیح مسلم : ج ۷ ، ص ۱۰۲ ، کتاب فضائل حضرت موسی (ع) ; المصنف عبدالرزاق : ج ۳ ، ص ۵۷۷ .

چکیده :

۱. با دقت در روایاتی که درباره دوره زندگی پیامبر(ص) آمده است روشن می‌شود که اصحاب از آن حضرت طلب شفاعت می‌کردند که دو نمونه آن عبارتند از :
درخواست انس بن مالک از حضرت برای شفاعت او در روز قیامت درخواست سواد بن قارب از پیامبر جهت شفاعت در روز قیامت
۲. اندیشمندان شیعه و سنّی بر این عقیده‌اند که پیامبر اسلام (ص) پس از رحلت خود از زندگی جاویدی برخوردار بوده و اعمال امت را می‌بیند و می‌شنود.